

چالش‌های حقوقی حق جلوت در پرتو هوش مصنوعی

چکیده

هدف: ظهور نرم‌افزارهای مجهز به هوش مصنوعی مولد، با توانایی زیادی که در شبیه‌سازی دارد، چالش‌های جدیدی برای حوزه‌های مربوط به حقوق شخصیت خصوصاً حق جلوت ایجاد می‌کند؛ زیرا، هوش مصنوعی با تولید جعل‌های عمیق (Deep Fakes)، به آسانی می‌تواند اکثر ویژگی‌های هویتی فرد معروف را بدون مشارکت واقعی ایشان تقلید کند. نگرانی‌های ناشی از ساخت نسخه‌های دیجیتال که با نسخه واقعی افراد غیرقابل تشخیص به نظر می‌رسد، تا جایی پیش‌رفته که سناتورهای امریکایی در سال ۲۰۲۳ لایحه‌ای با موضوع محافظت از شباهت سمعی و بصری افراد در برابر هوش مصنوعی تدوین نمودند. در نوشتار حاضر، با توجه به کم‌روشی ادبیات حقوقی کشور در زمینه هوش مصنوعی، نگارنده از متون قانونی کشور امریکا بهره برده و بناست بعد از آشنایی با مفهوم هوش مصنوعی و روشن شدن ماهیت حق بر نسخه دیجیتال که می‌توان از آن به عنوان یکی از مصادیق پیش‌رفته حق جلوت یاد کرد، به امکان‌سنجی تراحم میان هوش مصنوعی و حق جلوت پرداخت و سپس شیوه‌های مربوط به حل تراحم و استثنائات آن را بررسی نمود.

روش: روش تحقیق تحلیلی و توصیفی است و جمع‌آوری داده‌ها با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی امریکا انجام شده است.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود تا حق بر کپی دیجیتال به عنوان یکی از مصادیق حق جلوت به رسمیت شناخته شود سپس در راستای حمایت از حقوق افراد در برابر دیپ فیک‌ها، اصل کلی را بر حمایت از حق جلوت قرار داد و به منظور حفظ منافع بزرگ‌تر همچون آزادی بیان و تشویق به خلاقیت، استثنائاتی برای ترجیح هوش مصنوعی در نظر گرفت و در این راستا سه ضابطه معرفی می‌شود که عبارتند از: ضابطه استفاده منصفانه، استفاده از اطلاعات عمومی و ضابطه استفاده متحولانه.

واژگان کلیدی: آزادی بیان، حق جلوت، هوش مصنوعی، جعل عمیق، نسخه دیجیتال

مقدمه

هوش مصنوعی، جهان جدیدی از فرصت‌ها و تهدیدها به روی مردم گشوده و ابزاری در اختیارشان گذاشته است که می‌توانند با استفاده از آن، استعداد‌های هنری خود را کشف کنند و از سوی دیگر، با ایجاد کپی‌های دیجیتال تقریباً غیرقابل تشخیص، از صدا یا شباهت بصری اشخاص معروف سوءاستفاده کنند. به عنوان مثال، یک ناشناس با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، آهنگی را به سبک دو خواننده معروف در فضای مجازی بارگذاری کرد که در روزهای نخست، بیش از ده میلیون بازدید در پلتفرم‌های مختلف داشت؛ مخاطبان تصور می‌کردند که با اثر هنری جدیدی از خوانندگان محبوبشان مواجه هستند درحالی که آن قطعه موسیقی، عملاً یک تقلید حرفه‌ای و بدون مشارکت

واقعی آن هنرمندان بود و در نهایت با پیگیری شرکت موسیقی پخش کننده آثار آن‌ها، قطعه تقلبی از روی سایت‌ها برداشته شد.^۱ چندی پیش تام هنکس نیز اعلام کرد که حضور او در ویدئوی تبلیغاتی دندانپزشکی بدون اجازه از او و با استفاده از هوش مصنوعی بوده و معرفی انجام شده مورد تایید نیست. به این ترتیب، اگر در گذشته سوء استفاده از شهرت دیگری، غالباً توسط شرکت‌های تجاری انجام می‌شد، اکنون هرکسی با بهره از هوش مصنوعی می‌تواند بدون زحمت به هویت افراد دست پیدا کند و آن را به سهولت تکرار نماید؛ زیرا، هوش مصنوعی با تولید جعل‌های عمیق می‌تواند به راحتی، برخی یا همه ویژگی‌های هویتی یک فرد را تقلید کند. نگرانی‌های ناشی از به کارگیری هوش مصنوعی در شبیه سازی، همه صنایع هنری اعم از موسیقی، بازیگری، نقاشی و نویسندگی را دربرمی‌گیرد و از این حیث، توجه بسیاری از مردم و سیاستمداران را به خود جلب کرده است. در حالی که رعایت قوانین کپی‌رایت در آموزش‌های هوش مصنوعی مورد تاکید قرار می‌گیرد، نگرانی‌های جدی در خصوص سوء استفاده از هویت دیگران وجود دارد. به این ترتیب، نظام‌های حقوقی مختلف دنیا از جمله امریکا بر آن شدند تا علی‌رغم وجود قوانین مختلف مربوط به ممنوعیت نقض حق جلوت، اقدام به تدوین مقرراتی تازه نمایند که منطبق با شرایط کنونی باشد؛ لذا به نظر می‌رسد، بررسی لایحه مجلس سنا امریکا که در تاریخ ۱۲ اکتبر سال ۲۰۲۳ به تصویب رسیده است و با نام محافظت از تصویر، صدا و شباهت بصری فرد در برابر هوش مصنوعی^۲ و یا قانون No Fake شناخته می‌شود، برای نظام حقوقی کشور که در زمینه حق جلوت و هوش مصنوعی هنوز نوباسته مفید فایده باشد.

در نوشتار پیش‌رو تلاش می‌شود، بعد از تبیین مفهوم هوش مصنوعی، ماهیت حق بر نسخه دیجیتال و رابطه‌اش با حق جلوت بررسی شود و سپس با معرفی آن به عنوان نوعی حق جلوت به

<https://www.reuters.com/technology/google-universal-music-talks-deal-ai-deepfakes-ft-2023-08-08/>

^۲<https://www.independent.co.uk › news>

^۳Deep Fakes

^۴To protect the image, voice, and visual likeness of individuals, and for other purposes, 2023/11/10.

موضوع امکان تزامن میان هوش مصنوعی و حق جلوت پرداخت و در ادامه به منظور حل آن، سه رویکرد پیشنهاد می‌گردد.

مفهوم هوش مصنوعی

هوش مصنوعی ریشه در افسانه‌های باستانی دارد، جایی که انسان‌ها از موجودات مصنوعی با هوش و قدرت خارق العاده سخن می‌گفتند اما تاریخچه واقعی آن به نیمه اول قرن بیستم باز می‌گردد (Nilsson Stanford University, 2013)، زمانی که آلن تورینگ،^۵ پدر علم کامپیوتر و هوش مصنوعی، پیرو اجرایی کردن پیشنهاد خود مبنی بر این‌که ماشین‌ها نیز می‌توانند همچون انسان، از عقل برای حل مشکلات و تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند، مقاله‌ای با عنوان ماشین‌های محاسباتی و هوش در سال ۱۹۵۰ منتشر کرد و به امکان‌سنجی ریاضی آن پرداخت اما به جهت عدم قابلیت ذخیره و مرور اطلاعات در رایانه‌های نخستین و البته گران بودن هزینه خرید و اجاره آن‌ها، ایده مذکور اجرایی نشد. (Alan M. Turing, 1950, p:435) شش سال بعد در سال ۱۹۵۶ جان مک کارتی در کنفرانسی با موضوع تلاش مشترک برای هوشمند سازی ماشین‌ها، اصطلاح "هوش مصنوعی" (AI) را ابداع نمود و آن را یک حوزه تحقیقاتی میان رشته‌ای و به عنوان مهندسی ساخت ماشین‌های هوشمند تعریف کرد. (Pavel Hamet and Johanne Tremblay, 2017, p: 37) از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۴ با ارزان شدن رایانه و در دسترس قرار گرفتن آن و البته سرمایه‌گذاری برخی نهادهای دولتی، هوش مصنوعی رشد کرد و امید به شکل‌گیری مهارت تفسیر زبان گفتاری و حل مساله توسط ماشین‌ها قوت گرفت اما طولی نکشید که به جهت پایین بودن قدرت محاسباتی رایانه‌ها و ناکامی دولت‌ها در تحقق رویاهای خوش‌بینانه از ماشین‌ها، حمایت از هوش مصنوعی کم و رشد آن نزولی شد. (James Hendler, 2008, p:3) در سال ۱۹۸۰ محققان با ایجاد تکنیک یادگیری عمیق توسط ماشین‌ها که به واسطه آن رایانه‌ها می‌توانستند از تجربیات خود یاد بگیرند، مجدداً به رشد هوش مصنوعی کمک کردند (Kunihiko and Paul Werbos and Paul Hohn, 1975, p: 58; Fukushima, 1980, p: 193- 202) اما شکوفایی هوش مصنوعی را باید در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰

^۵ Alen Turing

^۶ به عنوان مثال (سازمان پروژه‌های پژوهشی پیشرفته دفاعی امریکا)

دانست، زمانی که پیاده‌سازی تفسیر زبان گفتاری در ویندوزها میسر شد و هوش مصنوعی تا جایی به هوش انسانی نزدیک شد که قهرمان شطرنج جهان در بازی رایانه‌ای مقابل هوش مصنوعی بازنده شد. (Schaeffer J, Plaat A, 1997, p:20-95) از سال ۲۰۱۰ تا به امروز نیز دو فاکتور دسترسی به داده‌های فراوان از طریق سیستم‌های جستجوگر همچون گوگل و قدرت محاسباتی بسیار بالای رایانه‌ها، منجر به رشد روز افزون هوش مصنوعی شده است (Dan Claudiu, et al, 2010, p:10) Ciresan تا جایی که تقریباً در تمام بخش‌های مختلف زندگی ما ناخواسته نفوذ کرده و حذف شدنی نیست. به عنوان مثال، اپلیکیشن‌های مسیریاب، نرم افزارهای تشخیص چهره و اثر انگشت، بانکداری آن‌لاین و خریدهای دیجیتالی که همه روزه از آن‌ها بهره می‌بریم، همگی از مصادیق روشن هوش مصنوعی هستند. (Hidayat, Satwiko, 2021, 292)

در تعریف هوش مصنوعی گفته می‌شود، شاخه‌ای از علم کامپیوتر است که به طراحی سیستم‌های شبیه به هوش انسان می‌پردازد و مهارت‌هایی نظیر درک، یادگیری، استدلال، حل مسئله و استفاده از زبان دارد؛ (Haosen Qin 1, et al, 2024, p:10) در واقع، ماشین‌ها برای حل مسائل پیچیده به کمک هوش مصنوعی، ادراک و استدلال انسان را تقلید می‌کنند. (Serena H. Chen, et al, 2008, p:397-400) و همچون آدمیزاد از مثال‌ها می‌آموزند، از تجربیات گذشته درس می‌گیرند، داده‌های فراوان و حتی ناقص را مدیریت می‌کنند و پس از آموزش، با سرعتی همچون انسان و گاهی بالاتر، عملیات پیش‌بینی و تعمیم را انجام می‌دهد. (Adel Mellit, Soteris A. Kalogiror, 2008, p:574-632) بنابراین به اختصار می‌توان گفت: هوش مصنوعی یک اصطلاح کلی است که به استفاده از رایانه برای مدل‌سازی رفتار هوشمند با حداقل دخالت انسان اشاره دارد. (Mary Pa, et al, 2024) هوش مصنوعی در علوم مختلف مانند مهندسی، اقتصاد، پزشکی، نظامی، دریایی و غیره، به دلیل قابلیت استدلال، انعطاف‌پذیری در خطا و توضیح‌پذیری مورد استفاده قرار گرفته است. (Roberto Confalonieri, et al, 2020) هوش مصنوعی بر اساس نوع الگوریتم‌ها و میزان استفاده از داده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: (Pramila P. Shinde; Seema Shah, 2018) نوع اول، یادگیری ماشینی^۷ و نوع دوم، یادگیری عمیق^۸ در نوع اول، از الگوریتم‌های حاوی ساختار ساده

^۷Machine Learning

^۸Deep Learning

که به صورت خطی یا درختی هستند استفاده می‌شود و برای آموزش آن‌ها، مداخله انسان به همراه داده‌های اندک ضروری است. به عنوان مثال، موتورهای جستجوگر شرکت‌های گوگل و فیس بوک، با استفاده از اطلاعات و صفحاتی که قبلاً آن‌ها را دنبال کرده بودید، به شما پیشنهادات جدید ارائه می‌دهند، در واقع پیش‌بینی آن چیزی که اکنون به دنبال آن هستید، با بهره‌گیری از یادگیری ماشینی انجام می‌شود. (M I Jordan 1, T M Mitchell, 2015) در یادگیری عمیق از الگوریتم‌های حاوی ساختار پیچیده و چند لایه که به صورت شبکه عصبی مصنوعی مغز انسان عمل می‌کنند، استفاده می‌شود. مهمترین مزیت این نوع هوش مصنوعی، قابلیت خودیادگیری یا به عبارت دیگر مهندسی داده‌ها بدون مداخله انسان است (Harry A. Pierson, Michael S. Gashler, 2017, p:821-35) اما برای آن به داده‌های بسیار بیشتری از یادگیری ماشینی احتیاج است. به عنوان مثال، اگر برای یادگیری ماشینی به هزار داده نیاز داریم، برای یادگیری عمیق میبایست میلیون‌ها داده وارد کنیم. چت بات‌هایی مثل ChatGPT که پاسخگوی سوالات متنوع کاربران است یا خودروهایی خودران از مصادیق بارز استفاده از یادگیری عمیق هستند. (Jacob Devlin, et al, 2019) به نظر می‌رسد، آن چه می‌تواند به صورت بالقوه تهدیدی برای حق جلوت شناخته شود، هوش مصنوعی مولد^۱ باشد که در واقع زیر مجموعه یادگیری عمیق است؛ زیرا، هوش مصنوعی مولد با هدف تولید خروجی‌های جدید و خلاقانه براساس داده‌های آموزشی، محتویاتی مانند متن، صوت یا ویدئو ایجاد می‌کند. (Aydin, omer, and Enis Karaarslan, 2023, p:118-134) به بیان دیگر، هوش مصنوعی مولد قادر است در پاسخ به درخواست کاربر، با استفاده از داده‌های آموزشی، محتویات جدید و اصیل تولید کند (Aydin and Karaarslan, 2023) که پیش از این تصور می‌شد، انجام آن فقط با نبوغ و خلاقیت انسانی قابل انجام است (Marian Mazzone and Ahmed Elgamma, 2020) اگر بزرگترین امتیاز هوش مصنوعی مولد را در کاربری ساده و پاسخ‌دهی سریع و کامل آن بدانیم، بزرگترین تهدید نیز همان خواهد بود؛ (Collins, Aengus, 2019) زیرا، هرکسی بدون آن که حتی کد نویسی بداند، می‌تواند به کمک این ابزار با ساخت جعل عمیق، به کپی از هویت چهره‌های معروف بپردازد و در سطح گسترده آن را پخش نماید. اینجاست که باید پرسید آیا لازم

^۱Generative artificial intelligence.

است همچنان به حمایت از هوش مصنوعی پرداخت یا نوبت آن است که از حق جلوت پاسداری کرد؟

مفهوم حق بر نسخه دیجیتالی

سال‌ها پیش، نظام‌های حقوقی مختلف دنیا از جمله امریکا، مالکیت افراد بر نشانه‌های هویتی‌شان را تحت عنوان حق جلوت به رسمیت شناختند اما امروزه موضوع ساخت نسخه‌های دیجیتالی یا همان ماکت‌هایی که با بهره از دیپ فیک‌ها، صداها و تصاویر افراد را دقیقاً شبیه‌سازی می‌کند، قانون‌گذاران را بر آن داشت تا با وضع مقررات تازه پاسخگوی چالش‌های پیش‌رو باشند. یکی از این قوانین که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود، پیش نویس قانون *S* است که شرایط و ضوابط استفاده از نسخه دیجیتالی افراد را در سطح ایالات متحده امریکا تعیین می‌کند. در ادامه پیش از آن که در چارچوب قانون مذکور به بررسی حق بر نسخه دیجیتالی پرداخته شود، ابتدا مروری بر حق جلوت خواهد شد تا از طریق مقایسه، زمینه‌شناسایی ماهیت آن فراهم شود.

جلوت که ریشه‌اش به حق حریم خصوصی باز می‌گردد، (THOMAS J. MCCARTHY, 2005) (p:10) به عنوان یک حق مالکیت توصیف شده که افراد بر نشانه‌های هویتی‌شان دارند و به موجب آن می‌توانند مانع بهره‌برداری تجاری غیرمجاز دیگران از آن بشوند (Vincent M. de Gradpre, 2001, p: 80)؛ مصادیق نشانه‌های مذکور به موجب مقررات ایالت‌های مختلف متفاوت بوده و علی‌رغم تردیدهایی که در خصوص صدا وجود دارد، تصویر و نام از جمله موارد مشترک میان تمام ایالت‌هایی هستند که حق جلوت را به رسمیت شناخته‌اند. (Bergmann, 1999, p: 480) حق جلوت که امروزه تردیدی در مالی بودن آن وجود ندارد، از جمله حقوقی است که به ارث می‌رسد (میرشکاری، ۱۴۰۱، ص: ۲)؛ منتهای مراتب در خصوص مدت زمان اعتبار آن بعد از فوت و لزوم شرط بهره‌برداری تجاری از آن در زمان حیات، در ایالت‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد. (Bartholomew, 2017, p: 6, 7; Grady, 1994, p:125) به عنوان مثال، در ایالت کالیفرنیا که به

واسطه هالیوود، بیش‌ترین حمایت از حق جلوت در آن‌جا می‌شود، مدت اعتبار آن ۷۰ سال^۱ و در ایالت ویرجینا ۲۰ سال^۲ در نظر گرفته شده است. نکته مهم بعدی، توجه به شرایط نقض حق جلوت است و آن این‌که خواننده از هویت خواهان، استفاده تجاری کرده باشد؛ (Grandpre, 2001, p: 80) به این ترتیب، اگر استفاده از هویت دیگری در راستای اهداف غیرتجاری باشد، استفاده مذکور به جهت حمایت از اصل آزادی بیان، از موارد نقض حق جلوت نخواهد بود. حال که مختصری از قواعد مربوط به حق جلوت ارائه شد، نوبت آن رسیده تا ماهیت حق بر نسخه دیجیتال و رابطه‌اش با حق جلوت بررسی شود.

نسخه دیجیتال به موجب بند A پیش‌نویس قانون `§ 3344.1`، به نسخه الکترونیکی ایجاد شده توسط رایانه از تصویر، صدا یا شباهت بصری فرد گفته می‌شود که حاوی دو شرط باشد: اول این‌که، شباهت ایجاد شده توسط رایانه با نسخه واقعی آن فرد تقریباً غیرقابل تشخیص باشد و دوم این‌که در تولید آن نسخه دیجیتال واقعاً از خود آن فرد استفاده نشده باشد. (Curren, 2023, p: 157) به بیان ساده‌تر، نسخه دیجیتال به شباهت غیرقابل تشخیص میان نسخه ساختگی ایجاد شده توسط رایانه و نسخه واقعی افراد می‌پردازد. بنابراین همان‌طور که روشن است، موضوع حق بر نسخه دیجیتال همان بهره‌برداری از نشانه‌های هویتی دیگری است که در حق جلوت آمده اما این بار میزان شباهت، به اندازه‌ای که برای عموم یادآور آن فرد معروف باشد کافی نبوده! (Sheff, 2019, p:42) بلکه فراتر از آن باید به اندازه‌ای باشد که ساختگی بودن آن برای عموم تقریباً غیرقابل تشخیص تلقی شود! از سوی دیگر، با مراجعه به تعریف نسخه دیجیتال، سیطره حق مذکور بر تمامی نشانه‌های هویتی اعم از صدا و تصویر ملاحظه می‌شود و محدودیت‌های ناظر بر صدا که در حق جلوت برخی ایالت‌ها وجود داشت، اینجا مشاهده نمی‌شود (Rockwell, 2024, P: 12) به عنوان مثال، آهنگی که به واسطه جعل عمیق از خواننده‌های معروف ساخته و در سایت‌های معتبر موسیقی پخش شده بود، توسط وکلای خوانندگان، نه به استناد نقض حق جلوت که در برخی ایالت‌ها اساساً شناسایی

۱. `§ 3344.1` (۲۰۲۲).

۲. `§ ۸.۰۱-۴۰` (۲۰۲۲)

۳. `§ 3344.1` (۲۰۲۲). [https://www.virginia.gov/leg1/leg1stat/leg1stat.htm](#) - `§ 3344.1` (۲۰۲۲). [https://www.virginia.gov/leg1/leg1stat/leg1stat.htm]

نشده^۴ و در برخی دیگر، علی‌رغم شناسایی آن را مشتمل بر صدا نمی‌دانند،^۵ بلکه به استناد قانون کپی‌رایت که به واسطه استفاده از علامت تهیه کننده اختصاصی آثار آن‌ها نقض شده بود، از سایت‌های مذکور جمع‌آوری شد.^۶ به این ترتیب، بخت با خوانندگان یار بود، زیرا اگر در پخش آهنگ جعلی از آن علامت مخصوص استفاده نشده بود، امکان حذف آن از تمام سایت‌ها با وضعیت قوانین فعلی ممکن نبود. (Ali Mohammed, 2024, p: 229) لذا همان‌طور که روشن است، یکی از شیوه‌های حمایتی از صنعت موسیقی در برابر دیپ فیک‌ها، این است که حق بر نسخه دیجیتال شناسایی شود. ماهیت حق مذکور، به موجب بند دوم از بخش b قانون یاد شده، یک حق مالی قابل انتقال توصیف شده که به مدت ۷۰ سال بعد از فوت فرد ولو در صورت عدم استفاده ایشان در زمان حیات باقی می‌ماند. (Jones, 2023, P: 7) به این ترتیب، تجربه بحث‌های طولانی مدت در خصوص شرایط و مدت زمان انتقال قهری حق جلوت، در این جا استفاده شده و رویکردی همسو با ایالت کالیفرنیا اتخاذ گردیده است. نکته مهم بعدی که می‌توان از آن به عنوان یکی از مهمترین تمایزهای میان حق بر نسخه دیجیتال و حق جلوت یاد کرد این است که به موجب قانون مذکور، نقض حق بر نسخه دیجیتال منوط به استفاده تجاری خواننده از آن نشده است فلذا هرگونه بهره‌برداری از ماکت دیجیتالی افراد، مسئولیت فرد استفاده کننده را در پی خواهد شد. (Varantsou, 2024, P: 3) در حالی که از جمله شرایط نقض حق جلوت این بود که استفاده از هویت خواهان در راستای امور تجاری و تبلیغاتی باشد (Grandpre, 2001: 80) به گمان نگارنده، رویکرد جدید قانون‌گذار در خصوص برداشتن شرط استفاده تجاری که در راستای تقویت حقوق فردی افراد و مقابله با خطرات ناشی از دیپ فیک‌ها انجام شده، اقدامی مثبت بوده و در عین حال به جهت شناسایی استثنائاتی همچون بیان اخبار، ساخت مستند، آثار تاریخی و مواردی از این دست که در ادامه مقاله به طور مفصل به آن پرداخته می‌شود، مخل اصل آزادی بیان نیز نخواهد بود.

۴. ۰۰۰۰۰۰۰، ۰۰۰۰۰۰۰۰

۵. ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰. ۲۱۴ § ۳ (۲۰۲۲); Utah Code § 45-3-3 (2022).

۶. ۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰، ۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰. ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰، ۰۰۰۰. ۰. ۰۰۰۰۰۰ (۰۰۰، ۲۰۲۳)،

حال بعد از آشنایی با حق بر نسخه دیجیتال، نوبت آن رسیده تا در خصوص ماهیت آن به عنوان حقی مستقل و یا مصداقی از حق جلوت تصمیم‌گیری شود؛ لذا در ادامه جهت سهولت در انتخاب ماهیت، وجوه افتراق و اشتراک حقوق مذکور مرور می‌شود. به نظر می‌رسد، تفاوت نخست در خصوص میزان شباهت است؛ به این توضیح که در حق جلوت، شباهت به اندازه‌ای که برای مخاطبین یادآور هویت فرد معروف باشد، کافیست اما در دیگری، شباهت میان نسخه فیک و واقعی باید به اندازه‌ای نزدیک بهم باشد که تمایز آن‌ها از یکدیگر دشوار به نظر برسد. تفاوت دوم، ناظر بر لزوم استفاده تجاری است. بدین صورت که برای نقض حق جلوت، میبایست خواننده از هویت خواهان استفاده تجاری کرده باشد در حالی که در نسخه دیجیتال، شرط مذکور وجود نداشته و صرف استفاده از هویت خواهان ولو بدون استفاده تجاری مسئولیت خواننده را در پی دارد اما اولین شباهت آن‌ها این است که هر دو از اقسام حقوق مالی شناخته می‌شوند و به واسطه این ویژگی، در زمان حیات قابل نقل هستند و بعد از فوت نیز به ارث می‌رسند؛ از سوی دیگر، هر دو حقوق هدفشان حفاظت از ارزش اقتصادی هویت افراد است؛ به همین خاطر استفاده بی‌اذن از هویت دیگری توسط آن‌ها محکوم می‌شود؛ منتهای مراتب هر دو در راستای حفظ اصولی مهم همچون آزادی بیان، در مواردی که استفاده به نحو کم یا تصادفی باشد و یا به منظور تبادل اطلاعات انجام شود، حاوی استثنائاتی هستند.

با توجه به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد، پیوند میان حقوق مذکور، به اندازه‌ای عمیق است که می‌توان گفت: حق بر نسخه دیجیتال به عنوان حقی که دولت‌ها تحت تاثیر فناوری جدید هوش مصنوعی ناگزیر به شناسایی آن بودند، ریشه در حق قدیمی تر جلوت دارد و به عنوان یکی از مصادیق پیشرفته حق جلوت همچون حق بر صدا، قابل شناسایی است. موید صحت باور مذکور، شباهت زیاد میان پیش نویس قانون No Fakes با قوانین ناظر بر حق جلوت ایالت‌های همچون کالیفرنیاست که در موضوعاتی از قبیل دلالت بر صدا، مدت زمان اعتبار آن بعد از فوت و همچنین مصادیق استثنایی حاوی مشترکات متعددی هستند. (Curren, 2023, p: 168)

تزام حق جلوت با دسترسی به هوش مصنوعی

همان‌طور که گفته شد، هوش مصنوعی مولد می‌تواند با بررسی و جمع‌آوری داده‌ها در سریع‌ترین زمان، به نشانه‌های هویتی افراد معروف دست پیدا کند و آن را تکرار نماید. این قابلیت به خودی خود منفی نیست و می‌تواند در مواردی مفید هم باشد، به عنوان مثال، به افزایش کیفیت جلوه‌های بصری نمایش کمک کند، امکان جوان یا پیر ساختن چهره بازیگران در فیلم‌ها را فراهم کند یا حتی با تکرار نسخه دیجیتال بازیگرانی که در اثنای تولید فیلم فوت کرده‌اند، امکان ادامه فیلمبرداری را میسر سازد و همچنین برای اهداف آموزشی مدارس همچون ساخت مستندات تاریخی نیز استفاده شود. (Shtefan, 2024, p: 10) با این حال قابلیت مذکور، می‌تواند مضرات فراوانی داشته باشد که ساخت اخبار جعلی یکی از آن‌هاست. شاید بتوان گفت، جریان ساخت اخبار جعلی و تصاویر ساختگی از سیاستمداران و دیگر افراد مشهور از سال ۲۰۱۸ به طور جدی شروع شده است (Erik Gerstner, 2020, p:5)؛ درست همان زمانی که برنامه‌های نرم‌افزاری مبتنی بر هوش مصنوعی که FakeApp یکی از محبوب‌ترین آن‌ها بوده، به صورت آنلاین و البته رایگان در دسترس عموم قرار گرفت و کاربران می‌توانستند با استفاده از آن، به راحتی و با فشار دادن یک دکمه، اقدام به ساخت تصاویر و یا فیلم‌های جعلی از افراد معروف کنند و کاری که پیش‌تر در بخش جلوه‌های ویژه و با صرف هزینه و وقت بسیار در استودیوهای بزرگ سینمایی انجام می‌شد، اکنون در زمانی کوتاه با داشتن یک ویدئوی پایه و تعدادی تصویر منبع از چهره آن بازیگر، توسط عموم مخاطبین امکان پذیر شد. به عنوان مثال، ویدئوهایی از نیکولاس کیج در فیلم‌های مختلف هالیوودی منتشر شد که او واقعاً در آن‌ها نقش آفرینی نکرده بود بلکه تصویر او، توسط کاربران اینترنتی، با استفاده از هوش مصنوعی روی چهره بازیگران اصلی این صحنه‌ها قرار گرفته بود^۷ یا در یک ویدئو جعلی که از رئیس‌جمهور پیشین امریکا، آقای اوباما پخش شد، کلماتی با صدای او ادا می‌شد که برای شنونده توهین‌آمیز بود. (Erik Gerstner, 2020, p:10) از سوی دیگر، شرکت‌های بزرگ فیلمسازی همچون نت فلیکس و دیزنی در حال استخدام مهندسان هوش مصنوعی هستند تا امکان استفاده از نسخه‌های دیجیتالی بازیگران جهت منافع شرکت سازنده فیلم تامین شود^۸ و در برخی موارد، گزارش شده که

^۷<https://www.dailydot.com/unclick/nicolas-cage-memes-deepfakes-2018>

^۸<https://www.theguardian.com/technology>, 2023

بازیگران بعد از قبول شرایط شرکت مربوط به استفاده از کپی‌های دیجیتالی در آینده و عدم امکان مطالبه غرامت، با دریافت دستمزد تنها یک روز کاری به خانه فرستاده شده‌اند!^۹ گرچه استفاده از کپی‌های مذکور منوط به توافق قبلی میان شرکت سازنده و بازیگر است اما باید توجه داشت برای هنرمندان نسبتاً ناشناخته که به تازگی پیشنهاد بازی در فیلم را دریافت کرده‌اند، هرگونه توافقی، به علت قدرت چانه‌زنی به نفع شرکت‌ها خواهد بود.

به این ترتیب، باید گفت که با ظهور هوش مصنوعی مولد، احتمال تکرار استفاده از شخصیت افراد مشهور و هنر آن‌ها به شدت افزایش یافته است و عدم حمایت شایسته از حق جلوت می‌تواند آسیب اقتصادی جدی به درآمد آن‌ها وارد کند؛ زیرا استفاده از نشانه‌های هویتی فرد معروف، صرفاً شهرت یک هنرمند را تصاحب نمی‌کند بلکه در واقع، فعالیتی که به واسطه آن، هنرمند شهرت خود را به دست آورده نیز در اختیار می‌گیرد.

نگرانی‌های ناشی از عدم امنیت شغلی در صنایع هنری و ادبی تا آن‌جا پیش رفته که منجر به اعتصابی بی‌سابقه توسط انجمن نویسندگان و بازیگران هالیوودی در ماه می ۲۰۲۳ شده و طی آن افراد زیادی خواستار تضمین وضع قوانین سختگیرانه درباره استفاده از هوش مصنوعی شدند. باید توجه داشت که خسارات ناشی از نقض جلوت به واسطه هوش مصنوعی، فقط محدود به کاهش درآمد و زیان اقتصادی نمی‌شود بلکه می‌تواند به آبرو و حیثیت افراد نیز لطمه جبران ناپذیر وارد کند. (Dodge, Spencer, 2017, p:657) به عنوان مثال، هنرمند معروف تیلور سوئیفت، یکی از قربانیانی است که از تصویرش بر روی فیلم‌های پورن استفاده شد و پیش از حذف آن از سایت‌ها، میلیون‌ها بار توسط مخاطبین دیده شد و جنجالی به پا کرد که سیاستمداران امریکایی را به فکر جرم‌انگاری تولید و پخش جعل عمیق یا دیپ فیک انداخت.^{۲۱}

^۹ <https://perma.cc/5CJ4-SM98>

^{۲۰} <https://www.nbcnews.com,2023>

^{۲۱} <https://www.theguardian.com/technology,2024>

دیدگاه‌های حل تزاخم میان حق جلوت و دسترسی به هوش مصنوعی

همان‌طور که بررسی شد، با ظهور فناوری‌های مجهز به هوش مصنوعی، احتمال نقض حق جلوت به واسطه ایجاد تصاویر یا صداهای جعلی بسیار بیش‌تر از قبل شده و همین امر لزوم وضع مقررات، به منظور ایجاد تعادل میان حمایت از شخصیت افراد و از سوی دیگر نوآوری حاصل از هوش مصنوعی را ایجاب می‌کند. لذا در ادامه برای حل تزاخم میان حق جلوت و هوش مصنوعی، سه دیدگاه ارائه می‌شود.

دیدگاه قائل به ترجیح حق جلوت

در راستای تایید این دیدگاه که قائل به ترجیح حق جلوت بر هوش مصنوعی است، می‌توان به مبانی شناسایی حق جلوت استناد کرد که حفظ و تقویت ارزش اقتصادی مستتر در حق مذکور یکی از مهمترین آن مبانی است (Mark F. Grady, 1992, p:105) و در خصوص آن برخی گفته‌اند که بیشترین دارایی پرسود یک ستاره، نه مهارت یا استعداد او، بلکه تصویر یا نشانه‌های هویتی اوست! زیرا، سلبریتی‌ها، مبالغ قابل توجهی از فروش نام، تصویر یا شباهت خود به دست می‌آورند که گاهی حتی از درآمد آنها از محل فعالیت اصلی‌شان (سینما، ورزش و ...) نیز فراتر می‌رود؛ (Michael E. Jones, 1979, p: 12) البته باید در نظر داشت، احترام به ارزش اقتصادی جلوت، نه به نیت مال‌اندوزی افراد معروف بلکه به جهت احترام به ثمره کار و تلاش انسان‌هاست؛ زیرا، همان‌طور که افراد، مالک کار و ثروت حاصل از تلاش خویش‌اند، مالک شهرت خود نیز هستند. (John Locke, 2016, p:28) از سوی دیگر، شناسایی جلوت از دارا شدن ناعادلانه اشخاص سوء استفاده‌گر نیز جلوگیری می‌کند و با این کار انگیزه اقتصادی برای سایر افراد جامعه ایجاد می‌کند تا از طریق انجام فعالیت‌های مورد علاقه عموم به شهرت برسند.^۳ همچنین حمایت از حق جلوت، منجر به تشویق سرمایه‌گذاری در ساخت چهره‌های معروف و حمایت از شخصیت افراد نیز می‌شود؛ (Mark

2Lugosi v. Universal Pictures, 603 P.2d 425 (Cal. 1979).California Supreme Court

2Mazer v. Stein, 347 U.S. 201, 219 (1954).

Bartholomew, 2011, p: 4,6) به عنوان مثال، تصور کنید فرد با استعدادی که بضاعت مالی کافی برای پرورش توانایی‌اش را ندارد توسط گروهی که به لحاظ مالی توانمند هستند، با انگیزه این که در آینده از شهرت او بهره ببرند، حمایت می‌شود. از منظر جامعه شناختی نیز موضوع جلوت اهمیت فراوان دارد؛ زیرا، افراد مشهور به آسانی می‌توانند به عنوان اشیاء یا نمادهای متحدکننده در جوامع مختلف عمل کنند و میان دو گروه از کسانی که به آن مفاهیم اخلاقی یا اجتماعی اعتقاد دارند و کسانی که بدون هیچ‌گونه اعتقادی صرفاً به آن عمل می‌کنند، تعامل مناسب برقرار کند. (Lee) (Barron,2018, p:42) همچنین، شناسایی حق جلوت همسو با قوانین مربوط به ثبت اختراع، علائم تجاری و کپی‌رایت، در حوزه آفرینش آثار هنری، بسیار تاثیرگذار خواهد بود؛ زیرا مشوق خوبی برای انگیزه‌های بزرگ هنری و آزادی خلاقیت است؛ چه این که افراد با اطمینان از حمایت قانون‌گذار و با خیالی آسوده از گزند اشخاص سوءاستفاده‌گر، در کار خود تمرکز می‌کنند. (K.J.) (Greene,2008,p:521) ضمناً همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد، استفاده از نسخه‌های دیجیتالی می‌تواند به واسطه حذف مشاغلی همچون بازیگری، تبعات اقتصادی سنگینی به جامعه تحمیل کند و به نظر می‌رسد، یکی از اصلی‌ترین راه‌های اجتناب از آن، حمایت بیش‌تر از حق جلوت باشد؛ زیرا، حق مذکور، می‌تواند با محدود کردن استفاده از نشانه‌های هویتی دیگری، از بازیگران در برابر تهدیدات قابل توجهی که کپی‌های دیجیتالی ایجاد می‌کند، محافظت نماید. (Curren, 2024,p:157)

باید اظهار داشت گرچه در نظام حقوقی ایران، حق جلوت به طور رسمی شناسایی نشده است، اما می‌توان به استناد اصول اساسی و قوانین مختلف، ممنوعیت بهره‌برداری از شهرت دیگری را احراز نمود. به عنوان مثال، آن‌جا که در اصل ۴۶ قانون اساسی گفته می‌شود: هر کس مالک حاصل کسب و کار خویش است، می‌توان چنین برداشت کرد که شهرت افراد به عنوان ثمره کارشان توسط قانون محترم شناخته شده و کسی نمی‌تواند آن را از ایشان سلب کند. در همین راستا، مواد یک و هشت قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارند، چنان‌چه شخصی به شهرت تجاری دیگری زیان وارد کند و یا در اثر انتشار مطالب غیر واقع به اعتبار فرد لطمه بزند، مسئول جبران خسارت خواهد بود، موضوع ممنوعیت بهره‌برداری از نشانه‌های هویتی دیگری قابل برداشت است. در مفهومی مشابه، ماده ۷ قانون حمایت از مصرف‌کننده نیز تبلیغات خلاف واقع که موجب فریب یا اشتباه مصرف‌کننده شود را ممنوع می‌داند. به این ترتیب، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مواد قانونی مختلف بر ممنوعیت

استفاده از جلوت دیگری دلالت دارند و در میان آن‌ها تفاوت حکمی از این حیث که شیوه نقض با بهره از هوش مصنوعی باشد یا خیر، وجود ندارد!

دیدگاه قائل به ترجیح دسترسی به هوش مصنوعی

دیدگاه دوم برعکس دیدگاه قبل، بر این باور است که فواید حمایت از هوش مصنوعی بیش‌تر از حق جلوت است و در دوران انتخاب میان آن‌ها، باید جانب هوش مصنوعی را گرفت. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین مزایای هوش مصنوعی این است که به تامین بهتر اصل آزادی بیان کمک می‌کند؛ زیرا، به باور دیوان عالی آمریکا که قائل بر لزوم گسترش معنای "بیان" در عصر کنونی است، بیان، هر چیزی که بتوان به وسیله آن، پیام و یا ایده‌ای را منتقل نمود دربرمی‌گیرد و متعاقباً هر چیزی که داخل در این تعریف باشد، مشمول آزادی بیان قرار خواهد گرفت، لذا سیستم‌های مجهز به هوش مصنوعی نیز یکی از شیوه‌های ابراز "بیان" است و حمایت از آن به افراد کمک می‌کند تا بتوانند عقاید و نظراتشان را بدون ترس از سانسور و در سطح وسیع ابراز کنند؛ درحالی که اگر از حق جلوت حمایت شود، به دلیل محدودیت‌هایی که در استفاده از هویت اشخاص ایجاد می‌شود، بالتبع آزادی بیان محدود و منجر به ترویج سانسور می‌گردد. (K.J. Greene, 2008, p: ۵۲۵) از سوی دیگر، هوش مصنوعی با ارائه ابزارهای جدید به افراد کمک می‌کند تا بتوانند با روش‌های نوین و خلاقانه به تولید محتوا و ترویج دانش بپردازند؛ بدین ترتیب از طریق کشف و تقویت استعدادها، شرایط تبدیل شدن افراد معمولی به چهره‌های شناخته شده که جلوتی ارزشمند دارند را فراهم می‌سازد. (Jack Goldsmith and Tim Wu, 2006, p: 10) باید توجه داشت که پافشاری بر حمایت از حق اشخاص مشهور در بهره‌برداری تجاری از هویتشان، به واسطه محدود کردن هوش مصنوعی، سبب سانسور در انتشار اطلاعات و به نوعی تحدید آزادی بیان می‌شود و در عین حال می‌تواند فرصت‌های جدیدی که به واسطه بهره‌مندی از هوش مصنوعی امکان ظهور و بروز داشتند را کمرنگ سازد؛ از سوی دیگر، در پاسخ به نقد آسیب‌های ناشی از هوش مصنوعی به حذف برخی مشاغل همچون بازیگری، باید گفت که اساساً فناوری از بدو پیدایش تاکنون در حال جایگزینی مشاغل انسانی است و نمی‌توان به بهانه آن، مسیر پیشرفت جهانی را متوقف کرد! در راستای اهمیت

هوش مصنوعی باید اضافه کرد، در سال ۱۴۰۱ که بحث در خصوص هوش مصنوعی و چالش‌های آن در ایران نیز شدت گرفت، شورای عالی فضای مجازی سندی به نام سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فضای مجازی را تصویب و منتشر نمود که مطابق آن طراحی نظام حقوقی فضای مجازی به معاونت حقوقی رئیس جمهور و طراحی نظام قضایی فضای مجازی به رئیس قوه قضائیه و طراحی نظام به کارگیری فناوری‌های نوین فضای مجازی از جمله هوش مصنوعی و علوم داده، برعهده معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری قرار گرفته است. از آن پس در قوانین جدید تصویب، هوش مصنوعی به طور محدود مورد توجه قرار گرفت.

در بند الف ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چنین مقرر شده است: «به منظور تسهیل رسیدگی به پرونده‌های قضائی و رفع اختلافات مردم، قوه قضائیه و وزارت دادگستری با رعایت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی حسب مورد مکلف به انجام اقدامات زیر هستند: الف- تا پایان سال دوم برنامه، امکان انجام اموری از قبیل ارجاع پرونده، تعیین وقت و انتخاب کارشناس را با استفاده از فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی برای کمک به قاضی با حفظ مسؤولیت شخص قاضی فراهم نمایند. آیین‌نامه اجرائی این بند در چهارچوب سیاست‌های ابلاغی شورای عالی فضای مجازی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». همچنین، در بند ج ماده ۶۵ قانون یاد شده نیز چنین آمده است: «دولت مکلف است در راستای حمایت از توسعه زیست‌بوم تحول‌آفرین هوش مصنوعی قابل اعتماد و پایدار و به منظور تعیین چهارچوب‌ها و ساز و کار تعامل تمامی ذی‌نفعان، فراهم نمودن دانش و زیرساخت‌های دانش فنی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، ترویج و افزایش آگاهی در مورد کارکردهای هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلف و خطرات بالقوه آن حداکثر ظرف شش‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به اجرای «برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی» با رعایت سیاست‌های کلی نظام، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی اقدام قانونی به عمل آورد». در تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۰ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به نام سند ملی هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شد. این سند به بیان اصول و مبانی ارزشی، چشم‌انداز، اهداف کلان و شاخص‌های ارزیابی، سیاست‌های راهبردی،

راهبردها و اقدامات ملی و اولویت‌های ملی به کارگیری هوش مصنوعی پرداخته است که در زمینه حقوقی و قضایی تنقیح قوانین و مقررات در اولویت قرار گرفته است.

علی‌رغم اهمیت هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی امریکا و ایران، نقدی که به دیدگاه حاضر وارد بوده، این است که هوش مصنوعی در قالب دو چهره می‌تواند گاهی به نفع و گاهی به ضرر آزادی بیان باشد! به عبارت دیگر، هوش مصنوعی علی‌رغم تاثیر مثبتی که بر آزادی بیان می‌گذارد و از مهمترین آن‌ها ترویج گفتگوی آزاد با ابزاری نوین و افزایش دسترسی عموم به اطلاعات است، خودش می‌تواند مانعی برای آزادی بیان محسوب شود؛ چه این‌که، پیچیدگی‌های ذاتی هوش مصنوعی در فرآیند تصمیم‌گیری احتمال فیلتر و سانسور پنهان را تشدید می‌کند. (Council of Europe, 2018, p:50) به عنوان مثال تصور کنید، از نشانه‌های هویتی فرد معروف به منظور تبادل اطلاعات عمومی و یا بیان نقد اجتماعی استفاده شود، در چنین شرایطی، الگوریتم‌ها بدون توجه به قانونی بودن استفاده از هویت دیگری در راستای مقاصد مذکور که درک آن غالباً به ذکاوت و هوش انسانی نیاز دارد و در ادامه به توضیح آن استثنائات پرداخته می‌شود، بسیاری از مطالب مفید را بدون این‌که کاربران چرایی آن را بدانند، محدود و یا به کلی مسدود می‌کند. (Safiya Umoja Noble, 2018, p: 17) از سوی دیگر، عدم شفافیت الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و ناتوانی حکومت‌ها در نظارت دقیق بر آن‌ها می‌تواند عاملی مهم برای انتشار اطلاعات نادرست باشد؛ (Mike Ananny, Kate Crawford, 2016, p: 15) یکی از مصادیق بارز انتشار اطلاعات نادرست به واسطه بهره از هوش مصنوعی، جعل عمیق است که به دستکاری و جایگزینی چهره یا صدای یک فرد در ویدیو، می‌پردازد؛ به نحوی که حتی تشخیص نسخه جعلی از اصلی برای متخصصین هم دشوار باشد. (buffett.northwestern.edu; Santana, 2022, p: 118) به عنوان مثال، در روزهای نخستین جنگ میان روسیه و اوکراین، ویدئویی از رئیس جمهور اوکراین با مضمون تسلیم ارتش کشورش در سطح گسترده پخش شد که صحت آن توسط دفتر ریاست جمهوری رد شد و این مورد، اولین نمونه‌ی استفاده از جعل عمیق در یک درگیری مسلحانه بود.^۵ نکته دیگری که

می‌توان به آن اشاره کرد این است که در سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، انتخاب و انتشار اطلاعات ممکن است با اولویت‌هایی انجام شود که با آزادی بیان در تضاد باشد؛ (Human Rights Committee, 2011, p:10) به عنوان مثال، هوش مصنوعی با عدم تشخیص صدا یا تصویری که به واسطه جعل عمیق شبیه به نسخه اصلی شده است، نسخه جعلی را در صدر اطلاعات پیشنهادی به مخاطبان ارائه می‌کند؛ به این ترتیب، از یک طرف هوش مصنوعی با جعل عمیق، به انتشار اطلاعات نادرست کمک کرده و از سوی دیگر، آن اطلاعات جعلی را در اولویت خبری سامانه‌های جستجوگر همچون گوگل قرار می‌دهد. لذا با توجه به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد طرح دیدگاه سوم به منظور بهره‌مندی بیش‌تر از جنبه‌های مثبت هوش مصنوعی، لازم باشد.

دیدگاه میانه

به نظر می‌رسد، احترام به حق جلوت افراد و در عین حال رفع نگرانی‌ها در خصوص رعایت اصل آزادی بیان، در هیچ‌کدام از دو دیدگاه مذکور به تنهایی تامین نمی‌شود و باید به دنبال راه میانه بود تا تعادل به نحوی شایسته میان حق جلوت و هوش مصنوعی برقرار گردد؛ لذا با توجه به مزایای اقتصادی و اجتماعی شناسایی حق جلوت که در دیدگاه اول به آن اشاره شد و نقدی که در راستای قانون‌مند کردن استفاده از هوش مصنوعی در دیدگاه دوم مطرح گردید، چنین پیشنهاد می‌شود تا اصل کلی را بر حمایت از حق جلوت قرار داد و به منظور حفظ منافع بزرگ‌تر همچون آزادی بیان و تشویق به خلاقیت، استثنائاتی برای آن در نظر گرفت. از سوی دیگر، اگرچه برای شناسایی حق جلوت در نظام حقوقی کشور مقررات خاصی تدوین نشده است اما تعدی به آن به واسطه قواعد عام مسئولیت مدنی همچون لاضرر و دارا شدن بلاجهت ممنوع بوده و منجر به مسئولیت قانونی برای شخص ناقض می‌شود. (میرشکاری، ۱۴۰۱: ۴۵) همچنین باید اضافه کرد به موجب ماده نخست سند راهبردی هوش مصنوعی، استفاده مسئولانه از فناوری هوش مصنوعی باید مبتنی بر اصول اخلاقی همچون رعایت حریم خصوصی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی باشد و به نظر می‌رسد جلوت نیز می‌تواند یکی از آن حقوق باشد. به این ترتیب، از منظر قانون‌گذار ایران، هوش مصنوعی نه یک هدف، بلکه ابزاری است برای افزایش کیفیت زندگی و تامین آرمان‌ها و ارزش‌های مرتبط با انسان و جامعه؛ لذا بنا نیست برای استفاده از تمام ظرفیت‌های آن، حقوق اشخاص قربانی شود.

در نظام حقوقی امریکا نیز به موجب پیش‌نویس قانون *No Fakes*، همین رویکرد اتخاذ شده و با بیان استثنائات استفاده از هوش مصنوعی، اصل کلی بر حمایت از حق جلوت گذاشته شده است. در ادامه به جهت فقدان سابقه قانونی موضوع در حقوق ایران، نگارنده سعی داشته تا با تحلیل استثنائات ترجیح هوش مصنوعی در پیش‌نویس مذکور، کمک به تسهیل استفاده از آن در نظام حقوقی ایران کند. در بند سوم از بخش C پیش‌نویس مذکور می‌خوانیم، چنان‌چه از نسخه دیجیتالی در موارد ذیل استفاده شود، از موارد معافیت از جبران خسارت است: الف) بخشی از اخبار، اطلاعات عمومی یا گزارش ورزشی باشد. ب) بخشی از یک مستند، اثر تاریخی یا بیوگرافی باشد؛ به شرط این‌که از خود فرد برای نمایش شخص او استفاده شود. ج) به منظور اظهار نظر، انتقاد، دانش پژوهی، طنز یا تقلید بهره‌برداری شود. د) در یک آگهی تجاری برای اهدافی که بندهای الف، ب، ج توضیح داده شد، استفاده شود. ه) استفاده از نسخه دیجیتال به نحو اندک یا تصادفی باشد؛ با مرور استثنائات معرفی شده در پیش‌نویس مذکور، می‌توان به دو ضابطه مهم رسید که پیش‌تر در رویه قضایی امریکا نیز در حوزه حق جلوت از عوامل معافیت شناخته می‌شدند، یکی ضابطه استفاده منصفانه و دیگری استفاده از اطلاعات عمومی. ضابطه‌ای که در لایحه مشاهده نمی‌شود اما استفاده از آن مفید به نظر می‌رسد نیز تحت عنوان ضابطه استفاده متحولانه به قانون‌گذار ایران پیشنهاد می‌شود. در ادامه، به منظور درک بهتر، به بررسی دقیق ضوابط و مصادیق آن پرداخته می‌شود.

ضابطه استفاده منصفانه

ضابطه استفاده منصفانه که در بند "ه" از بخش C آمده و برگرفته از قوانین کپی‌رایت است، به این اشاره دارد که چنان‌چه استفاده به صورت اندک و یا اتفاقی باشد، قابل مباحثات بوده و منجر به مسئولیت فرد نخواهد شد. (شاکری و حبیبی، ۱۳۹۴، ص: ۲۲۳-۲۰۷). به این ترتیب، می‌توان گفت که نظریه استفاده منصفانه، یک استثناء بر حقوق مالکانه افراد نسبت به جلوتشان تلقی می‌شود که به موجب آن اشخاص ثالث می‌توانند بدون ضرورت کسب اجازه از مالکان حق، استفاده اندک و یا تصادفی از آن داشته باشند. به عنوان مثال، در پرونده‌ای که شرکت خواننده در خلق بازی رایانه‌ای از نام و فنون یک رزمی‌کار بصورت دیجیتالی استفاده کرده بود و خواهان به استناد استفاده از نام و نشانه‌های هویتی‌اش، مدعی نقض جلوت شده بود، دادگاه آن را منتفی دانست؛ زیرا براساس نظرسنجی‌های انجام شده تنها شش درصد مخاطبان شخصیت خواهان را شناسایی کرده بودند و نام

خواهان صرفاً برای بازیکنانی که پیروز می‌شدند، آن‌هم به مدت هشت ثانیه نمایش داده می‌شد؛ بنابراین دادگاه استفاده را منصفانه تلقی نمود. لذا باید پذیرفت، چنان‌چه استفاده از نسخه دیجیتالی افراد توسط ابزارهای مجهز به هوش مصنوعی به نحو کم و یا تصادفی باشد، منجر به مسئولیت فرد ناقص نخواهد شد. در نظام حقوقی ایران نیز اگرچه نظریه استفاده منصفانه به صراحت در متون قانونی پیش‌بینی نشده اما به باور برخی از اساتید می‌توان رد پای آن را در ماده ۳۱ و بند اول ماده ۳۲ قانون قدیم ثبت اختراع، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مشاهده کرد (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۱؛ بادینی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۷، ۱۲۱) به نظر می‌رسد، رویکرد مذکور در آخرین اراده قانون گذار مندرج در بند اول ماده ۹۶ قانون جدید حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ نیز همچنان حفظ شده است زیرا، قانون‌گذار که در مقام بیان بوده، استفاده منصفانه از علامت تجاری دیگری را منع نکرده و این عدم رد یا منع به طور ضمنی می‌تواند دلالت بر پذیرش نظریه استفاده منصفانه داشته باشد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد، ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی که از اجرای اصل جبران خسارت به نحو کامل و فوری دست کشیده و به قاضی اجازه داده تا در فرضی که خسارت عرفاً قابل اغماض باشد، در میزان خسارت تخفیف در نظر گیرد؛ حکایت از این داشته که نظام حقوقی کشورمان با این ضابطه بیگانه نبوده است! (آبین، ۱۳۹۹: ۳۳) اگرچه تصریح آن در متون قانونی، همسو با حقوق سایر کشورهای پیشرفته، مفیده فایده است.

ضابطه استفاده از اطلاعات عمومی

ضابطه مذکور که بخش اعظمی از استثنائات را در خود گنجانده و مشتمل بر بندهای، "الف"، "ب"، "ج" و "د" از بخش C می‌باشد، غالباً به مواردی اطلاق می‌گردد که به جهت تأمین منفعت عمومی جامعه بر حقوق فردی اشخاص برتری داده می‌شود. در تعریف اطلاعات عمومی می‌گویند که همه‌ی افراد به جهت افزایش آگاهی عمومی، آزادانه به آن‌ها دسترسی دارند و خواننده صرفاً اقدام به گردآوری آن نموده است (میرشکاری، ۱۴۰۱، ص: ۱۲۳) لذا زمانی که دادگاه اطلاعات و محتویات مورد استفاده را عمومی تلقی کند، خواننده می‌تواند در پرتو حمایت از آزادی بیان، معاف از مسئولیت شناخته شود. به عنوان مثال، در پرونده‌ای که بازماندگان یکی از ژنرال‌های مشهور امریکا علیه شرکت

!Pesina v. Midway mfg. co 1996.

سازنده بازی که هویت او را کاملاً شبیه سازی کرده بود مطرح نمودند، دادگاه رای به نقض جلوت نداد؛ زیرا ژنرال معروف تبدیل به یک شخصیت تاریخی و عمومی شده بود و نمی‌شد آن را انحصاری دانست. لار ادامه، به منظور بررسی دقیق‌تر به مرور استثنائات پرداخته و نکاتی پیرامون هر یک ارائه می‌گردد.

بند "الف" ناظر بر استفاده از نسخه دیجیتالی به عنوان بخشی از اخبار، اطلاعات عمومی یا گزارش ورزشی است. در توضیح این بند باید گفت که یکی از نشانه‌های جوامع دموکراتیک این است که حق مردم برای دریافت اطلاعات در خصوص رویدادها و همچنین آزادی رسانه‌ها در انتشار آن مطالب، از جمله حقوق اساسی تضمین شده است که گاهی می‌تواند منجر به نقض حقوق فردی افراد از جمله حق جلوت شود. (Cass, 1987, p: 1411; Smolla et al., 2011, p: 12) باید توجه داشت که آزادی رسانه‌ها در انتشار اطلاعات و استفاده از نشانه‌ها هویتی افراد، فقط محدود به مطالب حاوی ارزش خبری نخواهد بود و می‌تواند هر موضوعی که مورد علاقه عموم باشد و به نوعی احساسات مردمی را جریحه‌دار کند، تحت عنوان اطلاعات عمومی دربرگیرد. (Balkin, 2017, p: 25, 53; Barnett, 1995, p: 28) مفاد بند "الف" که پیش‌تر از سوی تمام ایالت‌هایی که حق جلوت را به رسمیت شناخته بودند، به عنوان استثناء پذیرفته شده بود (Grandpre, 2001, p: 83) عیناً در خصوص استفاده از نسخه‌های دیجیتالی نیز تکرار شده است؛ با این حال، به نظر می‌رسد، استفاده از دیپ فیک یا همان نسخه جعلی در پخش برنامه‌های خبری و ورزشی که وظیفه‌شان مخابره واقعیت‌ها و به نوعی اطلاعات عینی موجود است می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی شود، چه این که مردم با مراجعه به آن‌ها می‌خواهند بدانند که به طور دقیق چه اتفاقاتی رویداده است، لذا استفاده از دیپ فیک‌ها که ماهیت تخیلی دارند، چندان توجیهی ندارد؛ (Shtefan, 2023, p: 38) مگر این که گفته شود استفاده از آن به منظور بالا بردن کیفیت تصاویر و فیلم‌های ضبط شده است.

- بند "ب" ناظر به استفاده از نسخه‌های دیجیتالی به عنوان بخشی از یک مستند، اثر تاریخی یا بیوگرافی می‌باشد، به شرط این که از خود فرد برای نمایش شخص او استفاده شود. استثنائات مندرج در این بند که ریشه در اصل آزادی بیان دارد، به نویسندگان یک جامعه اجازه می‌دهد تا تاریخچه

!General patton v. Maximum Games LLC 2014.

زندگی افراد معروف را در قالب مستند یا بیوگرافی شرح و پرورش دهند و در اختیار عموم بگذارند.)
Tan, 2017, p :66,155

سوالی که پاسخ به آن مهم به نظر می‌رسد این است که آثار ساخته شده در قالب‌های مستند، اثر تاریخی و بیوگرافی تا چه حد باید منطبق با واقعیت باشند تا مشمول نقض حق جلوت نشوند؟ به عنوان مثال، آیا سازنده فیلم بیوگرافی تخیلی از زندگی دانشمند برجسته انیشتین، همچنان از حمایت اصل آزادی بیان برخوردار است؟ یا به دلیل استفاده از نشانه‌های هویتی انیشتین در یک روایت جعلی از زندگی او مسئول جبران خسارت است؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا رویه قضایی امریکا و قانون نیویورک مرور و سپس به پیش‌نویس قانون No Fake پرداخته می‌شود.

پیش‌تر، رویه قضایی امریکا میان اثر واقعی و تخیلی قائل به تفکیک بود.^۸ بدین صورت که اگر اثر، یک برداشت واقعی از زندگی فرد معروف ارائه می‌کرد، به جهت تامین اصل آزادی بیان، مشمول مقررات نقض حق جلوت نمی‌گردید.^۹ آنچه آن که اطلاع از شیوه زندگی افراد معروف، در دایره اطلاعات عمومی قرار داشت و همگان می‌توانستند به راحتی از آن مطلع شوند اما اگر اثر، برداشت خیالی نویسنده از زندگی فرد معروف بود و هیچ نشانه‌ای مبنی بر تخیلی بودن آن در طول اثر به مخاطبین ارائه نمی‌شد، اقدام سازنده به جهت قلب واقعیت و به نوعی قراردادن فرد معروف در نوری کاذب، لطمه به حریم خصوصی او قلمداد می‌شد و برای نویسنده مسئولیت در پی داشت،^{۱۰} به این ترتیب، چنانچه استفاده از جلوت فرد در راستای ساخت تخیل نویسنده بود و این موضوع به نحوی به اطلاع مخاطبان می‌رسید، اثر به واسطه خلاقیت سازنده در پرتو حمایتی اصل آزادی بیان قرار داشت و منجر به مسئولیت نمی‌شد. بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود، رویه قضایی در جدال میان آزادی بیان به واسطه ساخت آثار بیانی همچون مستند و اثر تاریخی و همچنین نقض حق جلوت پیرو

۸. (۲۰۱۷). (۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۵، ۱۲۵۳، ۱۴۷). (۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۵، ۱۴۷).

۹. (۵۳۹، ۵۶۳). (۴۷۱). (۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۵، ۱۴۷). (۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۵، ۱۴۷). (۵۳۹، ۵۶۳). (۴۷۱). (۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۵، ۱۴۷).

۱۰. (۱۹۸۵). (۲۰۰۰).

استفاده از نشانه‌های هویتی دیگری، قائل به تفکیکی دقیق می‌شود و آن بیان واقعیت یا اعمال خلاقیت است.

در قانون حق جلوت نیویورک مصوب ۲۰۲۱ وضعیت متفاوت است؛^{۳۱} قانون مذکور که برای نخستین بار درخصوص استفاده از نسخه‌های دیجیتالی تعیین تکلیف می‌کند و از این حیث قابل توجه است، در بخش دوم از بند d تفاوتی میان اثر تخیلی و واقعی نمی‌گذارد؛ پیش‌نویس قانون NoFake نیز در اقدامی مشابه با آن، خلق آثار بیانی را محدود به واقعی بودن اثر نمی‌کند و در بخش استثنائات به صراحت مقرر می‌دارد که فارغ از میزان تخیلی بودن اثر، استفاده از نسخه‌های دیجیتالی به موجب بندهای ذیل مجاز است.

به نظر می‌رسد عدم تفکیک میان واقعی یا تخیلی بودن اثر، به جهت توالی فاسدی که در پی دارد، قابل انتقاد باشد؛ زیرا، اگرچه در ظاهر انگیزه قانون‌گذار از عدم اشتراط واقعی بودن اثر، گسترش مصادیق اطلاعات عمومی و در پی آن تامین بهتر اصل آزادی بیان بوده اما باید گفت که فقدان چنین محدودیتی، با کارکرد اصل مذکور در تعارض مستقیم قرار دارد! چه آن‌که نظریه بازار ایده‌ها که از آن به عنوان مهمترین مبنای اصل آزادی بیان یاد می‌شود، تاکید بر کشف حقیقت و روشنگری دارد، آذرحالی که مجاز شمردن خلق آثار تخیلی از مواردی که انتظار می‌رود براساس واقعیات باشد و اساساً ویژگی داستان نویسی با اصل و هدف آن ژانرها مطابقت ندارد، لطمه به آن اصل می‌زند؛ (Ogunleye, 2005, p: 102) از سوی دیگر، این موضوع می‌تواند به جهت نسبت دادن اتفاقاتی نادرست، به شهرت و حیثیت افراد لطمه وارد کند و همچنین با تحریف وقایع، سبب گمراهی مردم شود. بنابراین به گمان نگارنده، بهره از رویه قضایی امریکا در خصوص تفکیک میان آثار واقعی و تخیلی مناسب‌تر است.

سوال بعدی که به آن پرداخته می‌شود این است که آیا برای خلق آثار بیانی همچون مستند و اثر تاریخی باید از نسخه دیجیتالی همان فرد معروف که بناست زندگی‌اش به تصویر کشیده شود استفاده کرد یا می‌توان از نسخه دیجیتالی فرد دیگر بهره برد؟ در این میان، آیا تفاوتی از حیث زنده

۳۱. ۲۰۲۳ (۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) (۲)(۰)(۰۰)، (۲)(۰)(۰۰) § ۵۰-۰(۲)(۰)، ۲۰۲۳.

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰. ۰۰۰۰۰۰۰۰، ۱۹۶۵۰

یا متوفی بودن فردی که زندگی‌اش به تصویر کشیده شده، وجود دارد یا خیر؟ به عنوان مثال، برای ساخت فیلم بیوگرافی از بازیگر معروف رابرت دنیرو، می‌توان بدون نگرانی بابت نقض حق جلوت، از نسخه دیجیتالی خود او بهره برد؟ آیا استفاده از نسخه دیجیتال بازیگر دیگر ممکن نیست؟ وضعیت در خصوص ساخت بیوگرافی از مایکل جکسون که سال‌ها پیش فوت شده چگونه است؟ آیا فقط باید از نسخه دیجیتالی خود او بهره برد؟

در پاسخ به سوال مذکور، امکان مراجعه به رویه قضایی امریکا به جهت تازگی موضوع میسر نیست؛ لذا ابتدا به قانون جلوت نیویورک و سپس پیش‌نویس قانون NoFake پرداخته می‌شود. در بخش d قانون نیویورک، استفاده از نسخه دیجیتالی افراد، منوط به رعایت یک شرط شده است و آن این است که از نسخه دیجیتالی همان مجری فوت شده (اعم از بازیگر، خواننده، نوازنده و رقصنده) برای خلق اثر مرتبط با او استفاده شود.^{۳۳} البته این ترتیب، استفاده از نسخه دیجیتالی مجریانی که در قید حیات نیستند، چنانچه با استفاده از نسخه ساختگی خود آن‌ها و به منظور خلق آثار بیانی باشد، منجر به نقض جلوت نخواهد شد. (Curren, 2024, p: 176) به عنوان مثال، برای ساخت زندگی‌نامه مایکل جکسون که سال‌ها پیش فوت شده، می‌توان بدون نگرانی بابت نقض حق جلوت و لزوم پاسخ‌گویی به ورثه، از نسخه دیجیتالی او بهره برد اما استفاده از نسخه دیجیتالی بازیگر دیگر برای نمایش مایکل جکسون، با ادعای نقض جلوت روبرو می‌شود.

شاید از مفاد ماده مذکور این‌طور برداشت شود که استفاده از نسخه دیجیتالی افراد زنده تحت هر شرایطی ممنوع است اما با مراجعه به ماده دو قانون مذکور که به صراحت، قواعد مربوط به ممنوعیت استفاده از نسخه دیجیتال را مختص به مجریان متوفی اعلام می‌کند، تکلیف را در خصوص زندگان و عدم ممنوعیت استفاده از مکتب دیجیتالی‌شان روشن می‌سازد. ^{۳۴} به گمان نگارنده، رویکرد قانون نیویورک در خصوص انحصار ممنوعیت استفاده از نسخه دیجیتالی به مجریانی که فوت شده‌اند، قابل انتقاد است؛ زیرا، یکی از مهمترین دغدغه‌های وضع قانون مذکور، این بود که در مقابل آسیب‌های مالی وارده به هنرمندان که به واسطه بهره از نسخه‌های دیجیتالی به درآمد ایشان وارد می‌شد،

۳۳-۵۰ § (۲۰۲۲).

۳۴-۵۰ § (۲۰۲۲)، ۱۱، ۲۰۲۳، ۱۰:۰۰۰ §،

چاره‌ای اندیشد و مانع از بهره‌برداری‌هایی شود که نیاز به خود واقعی بازیگر را کم می‌کند، از سوی دیگر، مگر مجریان زنده چه تفاوتی با مردگان دارند که ممنوعیت استفاده از ماکت دیجیتالی، شامل حال آن‌ها نمی‌شود! چه بسا حمایت از زندگان به واسطه لزوم تامین امرار معاش نسبت به مردگانی که در زمان حیاتشان به میزان کافی از شهرتشان بهره‌بردند، منطقی‌تر باشد. لذا به نظر می‌رسد، مجاز شمردن استفاده از نسخه دیجیتالی هنرمندان زنده ولو برای تحقق مقاصد از جنس آزادی بیان، نوعی نقض غرض بوده و منطقی به نظر نمی‌رسد. همچنین، از آنجایی که فناوری‌های تولید محتوای دیجیتال به طور گسترده در دسترس عموم قرار دارد و داده‌های بسیاری از افراد به صورت آنلاین منتشر می‌شود، خطرات بالقوه ناشی از دیپ‌فیک‌ها مختص افراد معروف نبوده و شایسته است قانون‌گذار از مردم عادی نیز حمایت کند. (Shtefan, 2024, p: 7)

در پیش نویس قانون No Fakes نیز به موجب بند C استفاده از نسخه دیجیتالی افراد برای ساخت آثار بیانی، محدود به حیات یا ممات آن‌ها نبوده؛ لذا می‌توان برای ساخت زندگی‌نامه هنرمندانی که در قید حیات هستند، بی‌اجازه از نسخه دیجیتالی‌شان بهره برد، بی‌آن که لازم باشد بابت استفاده مذکور، بهایی به ایشان پرداخت کرد! (Preminger and Kugler, 2023, p: 110) در حالی که این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که ارزش اقتصادی آن اثر به علت استفاده از شباهت بازیگر معروف بوده و استفاده از نسخه دیجیتالی بازیگر نیاز به خود او را کم می‌کند؛^۳ از سوی دیگر، رویه گذشته محاکم نیز موید این باور است که چنان‌چه استفاده از شباهت فرد معروف، تهدیدی برای معیشت او باشد، اقدام به نقض جلوت ولو با توجیهاتی نظیر بیان اخبار و ساخت گزارش، ممنوع بوده و منجر به مسئولیت فرد ناقض می‌شود. شاهد مثال آن، پرونده زاکینی است که در آن جا دیوان عالی امریکا دفاعیات خوانده که یک شرکت خبری بود و قسمت کوتاهی از نمایش خواهان را در شبکه تلویزیونی پخش کرده بود، به جهت لطمه به ارزش اقتصادی فعالیت خواهان، نپذیرفت و رای به جبران خسارت داد؛^۴ لذا رویکرد قانون مذکور نیز همچون قانون نیویورک به جهت عدم احترام به ارزش اقتصادی هنرمندان قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

^۳Comedy III Prods., Inc. v. Gary Saderup, Inc., 21 P.3d 797, 804–05 (Cal. 2001)

^۴Zacchini v. Scrioos-Howard Broad. Co., 433 U.S.562(1977).

در خصوص بند ج که دلالت بر تجویز استفاده از نسخه دیجیتالی به منظور اظهار نظر، انتقاد، دانش پژوهی، طنز یا تقلید دارد و به واسطه حمایت از آزادی بیان، پیش‌تر در زمره استثنائات حق جلوت نیز آمده،^{۳۷} گار این‌جا تکرار شده است. نکته‌ای که ذکر آن لازم بوده این است که رویه قضایی، میان تقلیدهای تحت‌الفاظی و خلاقانه تفکیک می‌گذارد و درخصوص تقلیدهای دسته اول قائل بر استثناء نیست. (Koo, 2006, p. 14) به باور قضات امریکایی، شباهت با شخص مشهور، نباید جوهره‌ی اصلی اثر باشد بلکه باید یکی از مواد خامی باشد که آن اثر بدیع و مبتکرانه از آن استخراج می‌شود. به بیان دیگر، ارزش اقتصادی اثر باید وابسته به خلاقیت فرد باشد و نه این که وامدار شباهتش با افراد معروف باشد. به عنوان مثال، در پرونده‌ای که خواننده، تصاویر بازیگران سه کله پوک را با ذغال روی پیراهن کشیده بود، استفاده مذکور آن قدر دگرگون‌کننده نبود تا به بیان خود خواننده تبدیل شود^{۳۸} اما در پرونده دیگری، نقاشی تصاویر آوازخوان‌ها بر روی پیکری که نیمه انسان و نیمه موجود فضایی بود، دگرگون‌کننده تلقی شد.^{۳۹}

در نظام حقوقی ایران نیز به نظر می‌رسد، رعایت ضابطه مذکور موافق با روح قوانین باشد، چه آن که در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده، نشریات و مطبوعات در بیان مطالب تاجایی که مخل مبانی اسلام و یا حقوق عمومی نباشد، آزاد هستند. پیرو این اصل در ماده دوم قانون مطبوعات نیز روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در زمینه‌های مختلف از وظایف آن‌ها شمرده شده است؛ لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت در نظام حقوقی ایران نیز استفاده از هویت فرد معروف، چنان‌چه به قصد آگاهی بخشی باشد، منجر به مسئولیت ناقض نخواهد شد. همچنین در قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان که به لحاظ موضوعی نزدیک به حق جلوت می‌باشد، مواردی به عنوان استثناء معرفی شدند که می‌توان علت آن را رعایت ضابطه مذکور دانست. به عنوان مثال، به موجب ماده هفت قانون مذکور، نقل و استناد به اثرهایی که انتشار یافته اند، به مقاصد ادبی، علمی، فنی، آموزشی و تربیتی مجاز می‌باشد. از سوی دیگر اصل ۴۰ قانون اساسی نیز با بیان این که هیچ‌کس

۳۷. ۱۹۹۱؛

۳۸. Comedy III Productions, Inc. v. Gary Saderup, Inc, 2002

۳۹. Winter v. DC Comics, 2003

نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله تجاوز به منافع عمومی قرار دهد، تاکید بر این دارد که منافع عمومی جامعه بر حقوق فردی افراد از جمله حق جلوت ترجیح دارد.

ضابطه استفاده متحولانه

تا این جا گفته شد که حق بر نسخه دیجیتالی همچون حق جلوت، در مواردی به واسطه استفاده منصفانه و یا استفاده از اطلاعات عمومی حاوی استثنائات قانونی است اما آن چه متفاوت به نظر می‌رسد، این است که برخلاف حق جلوت، در این جا معیار استفاده متحولانه از مصادیق استثنائی محسوب نشده است. حال سوال اینجاست که چه تفاوتی میان نقض متحولانه سایر مصادیق جلوت (همچون تصویر) با نسخه دیجیتالی وجود دارد که در اولی خلایقیت از اسباب معافیت محسوب شده و در دومی خیر!

به نظر می‌رسد، نسخه‌های دیجیتالی به واسطه شباهت بسیار زیادی که به افراد دارد، به راحتی می‌توانند جایگزین آن‌ها شود، بی آن که مخاطبین به ساختگی بودن آن پی ببرند، (Shtefan, 2024, p: 46) به این ترتیب، چنان چه بزرگترین تهدید نسخه‌های دیجیتال این باشد که پتانسیل نیاز به خود واقعی بازیگر یا هنرمند را کاهش می‌دهد، اطمینان از این که آن حقه‌ها به میزان کافی خلاقانه به نظر برسند، مشکلی را حل نمی‌کند. لُرحالی که این ریسک در مصادیق گذشته حق

†ETW Corp. v. Jireh Publ'g, Inc., 332 F.3d 915, 935 (6th Cir. 2003); Kirby v. Sega of Am., Inc., 50 Cal. Rptr. 3d 607, 615 (Cal. 2006); JAMES A. JOHNSON, THE RIGHT OF PUBLICITY AND THE STUDENT-ATHLETE, 2-15, p: 548; Jacy T. Jasmer, ETW Corp. v. Jireh Publishing, Inc.: A Workable Standard, An Unworkable Decision, 5 MINN. INTELL. PROP. REV. 293, 299-06 (2004).

†Kirby v. Sega of Am., Inc., 50 Cal. Rptr. 3d 607, 615 (Cal. Ct. App. 2006) Copyright Act 1976, 17 USC § 107(1). Campbell v Acuff-Rose Music Inc, 510 US 569, 579-85 (1994) ('Campbell'); Blanch v Koons, 467 F 3d 244, 251-6 (2nd Cir, 2006); Suntrust Bank v Houghton Mifflin Co, 268 F 3d 1257, 1268-9 (11th Cir, 2001)

جلوت، به دلیل توانایی محدودتری که در باز تولید هویت افراد وجود داشت، آن قدر بالا نبود.^۲ به عنوان مثال تصور کنید، اگر در زمان گذشته، نقض جلوت این گونه بود که بدون اجازه از تصویر بازیگر معروف یا صدای مشابه او برای تبلیغ کالا استفاده می‌شد، امروزه با پیشرفت تکنولوژی و توانایی ساخت ماکت دیجیتالی افراد، این امکان فراهم شده که ویدئویی با بازی و صدای بازیگر منتشر شود که ساعت‌ها کالای مورد نظر را تبلیغ می‌کند، بی‌آن که مخاطبین و گاهی خود بازیگر بتوانند فیک بودن آن تبلیغ را تشخیص دهند. به این ترتیب، قانون‌گذار با حذف ضابطه استفاده متحولانه، از دامنه استثنای قانونی بهره‌ای از نسخه‌های دیجیتالی عامدانه کاسته تا بدین نحو از حقوق شخصی افراد حمایت بیشتری کند (Ali (Mohammed, 2024, p: 215) اما به نظر می‌رسد، این موضوع در نهایت به ضرر آن‌ها تمام شده است! چه آن که در عمل، حذف عنصر خلاقیت، به گسترش استثنای قانونی حق بر نسخه دیجیتال منتهی شده است. تصور کنید، به موجب لایحه مذکور، از نسخه دیجیتالی بازیگر معروف برای ساخت فیلم مستند او استفاده شود، بازیگر نمی‌تواند بابت استفاده مذکور مدعی خسارت شود! (Curren, 2024: 182) چه آن که استفاده از تصویر دیجیتالی در راستای ساخت اثر بیانی بوده که از حمایت اصل آزادی بیان برخوردار است؛ در حالی که روشن است تجویز استفاده بدون پرداخت بهای آن، لطمه به ارزش اقتصادی هنرمند است. لذا شایسته است، صرف بررسی این که اثر، در چه زمینه‌ای قرار دارد (ادبی، انتقادی، طنز آمیز و...) یا به چه میزان از آن استفاده شده (کم یا تصادفی)، تعیین کننده نقض یا عدم نقض حق بر نسخه دیجیتال نباشد، بلکه نحوه استفاده به صورت متحولانه یا خلاقانه نیز به عنوان یکی از موارد مهم در تصمیم نهایی دادگاه‌ها لحاظ شود. ^۳ به بیان دیگر، همسو با باور دیوان عالی امریکا در پرونده معروف زاکینی که علی‌رغم پخش نمایش در شبکه خبری، دفاع مستند به ضابطه اطلاعات عمومی را از خواننده نپذیرفت و رای به جبران خسارت داد، ^۴ اگر این‌جا نیز صرف استفاده از نسخه‌های دیجیتالی افراد در آثار بیانی همچون ساخت فیلم از اسباب معافیت شناخته نشود و خلاقیت به عنوان عنصر تکمیل

^۲Kent Jr and M. B,2009: 10

^۳Winter v. DC Comics (2003).

^۴Zacchini v. Scrioos-Howard Broad. Co,1977

کننده در کنار آن‌ها لحاظ شود و چنان‌چه استفاده به همراه خلاقیت بود، آن‌گاه از موارد معافیت محسوب شود.

اگرچه در نظام حقوقی ایران نیز معیار استفاده متحولانه در بحث حقوق مالکیت فکری که بیش‌ترین شباهت را با موضوع حاضر دارد، از عوامل معافیت شناخته نشده (شبییری، ۱۳۹۶:۷۷) اما پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با هدف ایجاد تعادل ظریف میان حمایت از حقوق فردی و نوآوری دست‌کم از معیار مذکور به عنوان ابزاری برای کاهش مسئولیت استفاده کند. به بیان دیگر، به جای فرضیه عدم مسئولیت و نادیده گرفتن لطمه به ارزش اقتصادی جلوت افراد، به سمت کاهش مسئولیت متناسب با میزان خلاقیت برود.^{۴۵} پذیرش این نظر، علاوه بر ایجاد انگیزه برای هنرمندان، ورزشکاران و مردم عادی که به منظور کسب شهرت در تلاشند، مانع از انسداد باب خلاقیت و هنر می‌شود (Edelman Marc, 2013, p: 584) و با اصل کارایی اقتصادی و اصل انصاف نیز همسو می‌باشد. (Minda Gary, 1989, p:85) چه آن‌که با پاداش گرفتن فرد خلاق و تشویق افراد جامعه به صرف نبوغ و خلاقیت مضاعف، رفاه جمعی مورد نظر در اصل کارایی اقتصادی کالدور که به دنبال سود بیش‌تر در مقابل ضرر کمتر است، بهتر تامین می‌گردد و از سوی دیگر، مسئولیت نسبی فرد خلاق به جای فرض عدم مسئولیت در برابر کسی که از هویت او بهره‌برداری کرده است، به تحقق عدالت اجتماعی نزدیک‌تر است. (Kaldor, 1939, p:549-552)

نتیجه‌گیری

هوش مصنوعی شاخه‌ای از علم کامپیوتر است که به طراحی سیستم‌های شبیه به هوش انسان می‌پردازد و در صنایع مختلف علمی به جهت قابلیت‌های آن همچون سرعت در تصمیم‌گیری و پیش‌بینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، به جهت امکان تولید نسخه‌های دیجیتالی بسیار نزدیک به واقعیت، از طریق تقلید نشانه‌های هویتی افراد همچون تصویر و صدا، تهدید بزرگی برای

^{۴۵}William L. Prosser, Comparative Negligence, 51 MICH. L. REV. 465, 465-67 (1953); Stuart F. Schaffer, Comment, Informing the Jury of the Legal Effect of Special. Verdict Answers in Comparative Negligence Actions, 1981 DUKE L.J. 824, 825 (1981).

حق جلوت محسوب می‌شود؛ چه این که تکرار استفاده بدون مجوز از شخصیت افراد مشهور، با حق بهره‌برداری تجاری از نشانه‌های هویتی آن‌ها منافات دارد. عدم حمایت از حق جلوت در جدال با نسخه‌های دیجیتالی که به واسطه هوش مصنوعی به سهولت ساخته و منتشر می‌شوند، مضرات فراوانی دارد که دارا شدن بلاجهت، از دست رفتن انگیزه افراد برای تبدیل شدن به چهره معروف و به خطر افتادن آبرو و حیثیت افراد به جهت تولید عکس‌ها و فیلم‌های پورن، از مهمترین آن‌هاست. به نظر می‌رسد برای اجتناب از آثار نامطلوبی که به آن اشاره شد، باید جانب حق جلوت را گرفت و با شناسایی حق بر نسخه دیجیتال به عنوان یکی از مصادیق آن، اصل را بر حمایت از جلوت گذاشت اما چنانچه نقض آن به موجب ضوابطی همچون اطلاعات عمومی، استفاده منصفانه و استفاده متحولانه توجیه شود، به عنوان مثال، در راستای آزادی بیان باشد و یا با بهره‌گیری از روش‌های خلاقانه انجام شود، منجر به مسئولیت شخص ناقض نخواهد شد.

پاییز ۱۳۹۸
مجله حقوقی
پاییز ۱۳۹۸

Ali Mohammed, I. (2024). Eliminating Ghostwriters: How a Federal Right of Publicity Can Save the Music Industry from Generative Artificial Intelligence. Journal of Intellectual Property Law, 31(2), 212.

Rockwell, E. (2024, July). The Heart of Artificial Intelligence in the Music Industry: Amending the Music Modernization Act to Promote Transparency. In Boston College Intellectual Property and Technology Forum (Vol. 2024, pp. 1-19).

Varantsou, M. (2024). Image Rights in the Age of AI and Deep Fakes.

Ogunleye, F. (2005). Television docudrama as alternative records of history. History in Africa, 32, 479-484.

Andrew Koo, Right of Publicity: The Right of Publicity Fair Use Doctrine - Adopting a Better Standard, 4Buff. Intell. Prop. L.J. 1 (2006),

Tan, D. (2017). The commercial appropriation of fame: A cultural analysis of the right of publicity and passing off (Vol. 36). Cambridge University Press.

Abbas Mirshkari (1401), the right to publicity the analysis of the legal system's approach to the commercial exploitation of another's reputation, Tehran: Tehran University Press.(in persian)

Adel Mellit , Soteris A. Kalogiror, 2008 ,Artificial intelligence techniques for photovoltaic applications: A review , 574-632.

Alan M. Turing, 1950, Computing Machinery and Intelligence , 435

Ananny, M., & Crawford, K. (2018). Seeing without knowing: Limitations of the transparency ideal and its application to algorithmic accountability. *new media & society*, 20(3), 973-989.

Andrew Koo, 2006, Right of Publicity: The Right of Publicity Fair Use Doctrine - Adopting a Better Standard, Buffalo Intellectual Property Law Journal ,12.

Aydn and Karaarslan, Artificial Intelligence, VR, AR and Metaverse Technologies for Human Resources Management ,2023.

Aydn, omer, and Enis Karaarslan,2023, Is ChatGPT Leading Generative AI What is Beyond Expectations,118-134.

Balkin, J. M. (2017). Digital speech and democratic culture: A theory of freedom of expression for the information society. In Law and Society approaches to cyberspace (pp. 325-382). Routledge.

Bartholomew, 2011: 50 A Right is Born: Celebrity, Property, and Postmodern Lawmaking,44 CONN.L.Rew.301.347(2011).

Bartholomew, M. (2017).The Political Economy of Celebrity Rights.*Whittier L.Rev.*, 38, 1.

Bergmann, oyola (1999). “publicity rights in the united states and germany: a comparative analysis”, oyola of los angeles entertainment law review, vol. 19.

Cass, R. A. (1987). Commercial Speech, Constitutionalism, Collective Choice. U. Cin. L. Rev., 56, 1317.

Chen, S. H., Jakeman, A. J., & Norton, J. P. (2008). Artificial intelligence techniques: an introduction to their use for modelling environmental systems. *Mathematics and computers in simulation*, 78(2-3), 379-400. Chen, et al,2008, 397-400

Cireşan, D. C., Meier, U., Gambardella, L. M., & Schmidhuber, J. (2010). Deep, big, simple neural nets for handwritten digit recognition. *Neural computation*, 22(12), 3207-3220.

Collins, A. (2019). Forged authenticity: governing deepfake risks, EPFL International Risk Governance Center (IRGC)

Confalonieri, R., Weyde, T., Besold, T. R., & Moscoso del Prado Martín, F. (2020). Trepan reloaded: A knowledge-driven approach to explaining artificial neural networks.

Coombe, R. J. (1992). The celebrity image and cultural identity: Publicity rights and the subaltern politics of gender. *Discourse*, 14(3), 59-88.

Curren, A. (2023). *Digital Replicas: Harm Caused by Actors' Digital Twins and Hope Provided by the Right of Publicity*. *Tex. L. Rev.*, 102, 155.

De Grandpre, V. M. (2001). Understanding the market for celebrity: An economic analysis of the right of publicity. *Fordham Intell. Prop. Media & Ent. LJ*, 12, 73.

De Grandpre, V. M. (2001). *Understanding the Market for Celebrity: An Economic Analysis of the Right of Publicity*. *Fordham Intell. Prop. Media & Ent. LJ*, 12, 73.

Devlin, J., Chang, M. W., Lee, K., & Toutanova, K. (2018). Bert: Pre-training of deep bidirectional transformers for language understanding. *arXiv preprint arXiv:1810.04805*.

Dodge Alexa; Spencer Dale (2017) "Online Sexual Violence, Child Pornography or Something Else Entirely? Police Responses to Non-Consensual Intimate Image Sharing among Youth", *Social & Legal Studies*, Vol 27, No 3.

Edelman, M. (2013). Closing the Free Speech Loophole: The Case for Protecting College Athletes' Publicity Rights in Commercial Video Games. *Fla. L. Rev.*, 65, 553.

Elgammal, A., & Mazzone, M. (2020). Artists, artificial intelligence and machine-based creativity in playform. *Artnodes*, (26), 1-8.

Fukushima, K. (1980). Neocognitron: A self-organizing neural network model for a mechanism of pattern recognition unaffected by shift in position. *Biological cybernetics*, 36(4), 193-202.

Gerstner, E. (2020). Face/off: "DeepFake" face swaps and privacy laws. *Def. Counsel J.*, 87, 1.

Grady, M. F., & Alexander, J. I. (1992). Patent law and rent dissipation. *Va. L. Rev.*, 78, 305. Pa, M., Uddin, M. N., & Rezaei, N. (2023). An adaptive Neuro-Fuzzy Model-Based Algorithm for Fault Detection in PV Systems. *IEEE Transactions on Industry Applications*.

Greene, K. J. (2007). Intellectual property at the intersection of race and gender: lady sings the blues. *Am. UJ Gender Soc. Pol'y & L.*, 16, 365.

Grodin, J. R. (1952). The Right of Publicity: A Doctrinal Innovation. *Yale LJ*, 62, 1123.

Gstrein, O. J. (2019). The Council of Europe as an Actor in the Digital Age: Past Achievements, Future Perspectives. *Festschrift der Mitarbeiter* Innen und Doktorand* Innen zum*, 60.

Hamet, P., & Tremblay, J. (2017). Artificial intelligence in medicine. *Metabolism*, 69, S36-S40.

Hendler, J. (2008). Avoiding another AI winter. *IEEE Intelligent Systems*, 23(02), 2-4.

Hidayat Nurharyadi Fajar; Satwiko Prasasto (2021) "The Implementation of Artificial Intelligence in the Environmental Licensing Process", *International Webinar on Digital Architecture 2021 (IWEDA 2021)*, Vol671.

https://buffett.northwestern.edu/documents/buffett-brief_the-rise-of-ai-and-deepfake-technology.pdf

Intellectual Property Expansion: The Good, the Bad, and the Right of Publicity, K.J. Greene, p:521, 2008

Johnson, J. A. (2015). The Right of Publicity and the Student-Athlete. *Elon L. Rev.*, 7, 537.

Jones, F. (2023). *Tune in or Tune Out: AI Developments Urge Federal Proposal for Voice Protection in Right of Publicity*. Available at SSRN 4686869.

Jones, M. E. (1979). Celebrity endorsements: a case for alarm and concern for the future. *New Eng. L. Rev.*, 15, 521.

Jordan, M. I., & Mitchell, T. M. (2015). Machine learning: Trends, perspectives, and prospects. *Science*, 349(6245), 255-260.

Kaldor, Nicholas. (1939). Welfare Propositions of Economics and Interpersonal Comparisons of Utility, *The Economic Journal*, 49(195). pp. 549-552.

Lee Barron, 2018, *Celebrity Cultures: An Introduction* 1st Edition, Amazon book clubs.

Locke, J. (2016). The second treatise of government. In *Democracy: A Reader* (pp. 120-123). Columbia University Press.

Majority, C. (2015). *John Locke, Civil Society, and the Constrained Majority*. *Political Thinking, Political Theory, and Civil Society*, 145.

McKenna, M. P. (2005). The right of publicity and autonomous self-definition. *U. Pitt. L. Rev.*, 67, 225.

Meiklejohn, A. (1961). The First Amendment is an absolute. *The Supreme Court Review*, 1961, 245-266.

Minda, G. (1989). The law and economics and critical legal studies movements in American Law. In *Law and Economics* (pp. 87-122). Dordrecht: Springer Netherlands.

Nilsson, N. J. (2009). *The quest for artificial intelligence*. Cambridge University Press.

Noble's, S.U. (2019). Noble, Safiya Umoja. Algorithms of Oppression: How Search Engines Reinforce Racism. New York University Press, 2018. *WHY POPULAR CULTURE MATTERS*, 166.

Pandolfini, B. (1997). *Kasparov and Deep Blue: The historic chess match between man and machine*. Simon and Schuster.

Pierson, H. A., & Gashler, M. S. (2017). Deep learning in robotics: a review of recent research. *Advanced Robotics*, 31(16), 821-835.

Preminger, A., & Kugler, M. B. (2023). *The Right of Publicity Can Save Actors from Deepfake Armageddon*. *Berkeley Technology Law Journal, Forthcoming, Northwestern Public Law Research Paper*, (23-52).

Qin, H., Yu, Z., Li, Z., Li, H., & Zhang, Y. (2024). Nearly Zero-Energy Building Load Forecasts through the Competition of Four Machine Learning Techniques. *Buildings*, 14(1), 147.

Reynolds, G. H. (2006). Does Power Grow Out of the Barrel of a Modem? Some Thoughts on Jack Goldsmith and Tim Wu's 'Who Controls the Internet?'. *Stanford Law and Policy Review*, 20, 101

Shinde, P. P., & Shah, S. (2018, August). A review of machine learning and deep learning applications. In *2018 Fourth international conference on computing communication control and automation (ICCUBEA)* (pp. 1-6). IEEE.

Shtefan, A. (2024). *The Digital Replication Right as the Element of the Right of Publicity in the AI Age*. Available at SSRN 4788701.

Smolla, R. A. (2011). *The constitution goes to college: Five constitutional ideas that have shaped the American university*. NYU Press.

Tan, D. N. (2017). Owning the World's Biggest ESport: Intellectual Property and DOTA. *Harv. JL & Tech.*, 31.

Werbos, P. J. (1994). *The roots of backpropagation: from ordered derivatives to neural networks and political forecasting* (Vol. 1). John Wiley & Sons.

Zahra Shakri and Saeed Habiba (2014) Public Interests and Literary and Artistic Property Rights, Tehran University Press.(in persian)

حسن بادینی، مجید مجید حسین زاده و سمانه محبی فرد (۱۳۹۳)، بررسی نظریه استفاده منصفانه قانونی (کلاسیک) در علائم تجاری توصیفی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۳، زمستان ۱۳۹۳، ۱۲۳ - ۹۹.

زهرا شاکری و سعید حبیبی (۱۳۹۴) منافع عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

سعید حبیبی، مجید حسین زاده و سمانه محبی فرد، (۱۳۹۵)، بررسی نظریه استفاده منصفانه از علامت تجاری غیر به منظور معرفی کالاها و خدمات، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۷۸، بهار ۱۳۹۵، ۱۲۵-۱۴۷

شبیبری (زنجانی)، سید حسن (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی نقیضه‌گویی در آثار ادبی و هنری؛ هدف کپی‌رایت یا نقض کپی‌رایت!، فصل‌نامه الهیات هنر، سال سوم، شماره ۱۰.

عباس میرشکاری (۱۴۰۱) حق جلوت تحلیل رویکرد نظام حقوقی در برار بهره برداری تجاری از شهرت دیگری، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

علیرضا، آبین (۱۳۹۹). نقدی بر ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و پیشنهاد نظریه مسئولیت منصفانه در مورد صغار و مجانین (مطالعه تطبیقی). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پایگاه
مجله